

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.9, Azar 2022

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.288776.1776>

Explanation of the impact of the death of Sultan Qaboos on the foreign policy of Oman

Abstract:

Oman's foreign policy during the last five decades has been in line with peaceful approach, neutrality and mediation in some of the crisis of the Persian Gulf region. The main question of this article is that, what impact will the death of Sultan Qaboos have, on the foreign policy of Oman in the Persian Gulf and Middle East region? The hypothesis of this article, which is done, based on the descriptive – analytical way of research, is that, following the death of Sultan Qaboos and the reaching to thrown of Sultan Haitham bin Tariq, meaningful changes will not take place in the main strategies of the foreign policy of this country, but we will witness some changes in diplomatic procedures and tactics. Findings show that the political and cultural structure of Oman and the position of this country in the regional and global politics and the admirable legacy that the late Sultan Qaboos left inside and outside the county, will cause the new Sultan to continue the current foreign policy of Oman, which is based on positive neutrality. At the same time, he will try to adopt special tactics and innovations to show his own special personality to his own nation and to the region. This important point probably will cause some differences in the way of foreign policy, in comparison to the previous Sultan.

Key words: positive neutrality, Sultan Qaboos, foreign policy, Oman, Persian Gulf region

تبیین تاثیر مرگ سلطان قابوس بر سیاست خارجی عمان

عبدالکریم صادق دوست^۱نوذر شفیعی^۲رحمت حاجی مینه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده:

سیاست خارجی عمان در پنج دهه گذشته، در راستای مسالمت جویی، بی طرفی و میانجیگری برای حل برخی بحران‌ها در منطقه خلیج فارس پیش رفته است. سوال اصلی در این مقاله آن است که مرگ سلطان قابوس چه تاثیری بر سیاست خارجی عمان در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در پی خواهد داشت؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده آن است که با مرگ سلطان قابوس و آمدن سلطان هیثم بن طارق به جای وی، در راهبردهای اصلی و سیاست خارجی این کشور تغییر معناداری پدید نخواهد آمد، ولی در تاکتیک‌ها و رویه‌های دیپلماسی تغییراتی را شاهد خواهیم بود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ساختار سیاسی و فرهنگی عمان و جایگاه این کشور در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین میراث مورد احترامی که سلطان قابوس در داخل و خارج از کشور برجا گذاشته است، سلطان جدید را بر آن خواهد داشت تا سیاست خارجی عمان را که بر بی طرفی مثبت استوار شده است، ادامه دهد. درعین حال، وی در صدد خواهد بود تا با اتخاذ تاکتیک‌ها و نوآوری‌های خاص، تلاش نماید تا شخصیت و چهره خاص خود را به ملت خود و منطقه ارائه کند. این مهم، احتمالاً باعث تفاوت‌هایی در روش سیاست خارجی او با سلطان قبلی خواهد شد.

واژگان کلیدی: بی طرفی مثبت، سلطان قابوس، سیاست خارجی، عمان، منطقه خلیج فارس.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sadeghdoost@yahoo.com^۲ دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) n.shafiee@ase.ui.ac.ir

۱- مقدمه:

سلطان قابوس، در حدود ۵ دهه، رهبری کشور عمان را برعهده داشته و به عنوان رهبری میانه رو و موفق در زمینه اجرای سیاست بی طرفی مثبت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شناخته شده است. وی در یازدهم ژانویه ۲۰۲۰ میلادی برابر با بیست و یکم دی ماه ۱۳۹۸ درگذشت. یکی از مسائلی که در خصوص نقش سیاست خارجی عمان در زمان کنونی مطرح می شود این است که آیا با مرگ سلطان قابوس، کشور عمان همان مسیر سیاست خارجی شناخته شده خود را در مناسبات منطقه ای و بین المللی پیش خواهد برد و یا تغییری در این سیاستها حاصل خواهد شد. مسئله دیگر آن است که، اگر تغییراتی در روند سیاست خارجی این کشور ایجاد شود، آیا این تغییرات جزئی و بی اثر است و یا تغییراتی اساسی و ریشه ای است که مسیر دیپلماسی این کشور را تغییر خواهد داد. از طرفی، اگر سلطان جدید بخواند همان سیاست بی طرفی مثبت را دنبال نموده و نقش میانجیگرانه را در بحرانا و مناقشات منطقه ای ایفا نماید، آیا اقتدار و توانایی و همچنین کاریزمای سلطان قبلی را خواهد داشت که بتواند از پس چنین نقشی برآید یا خیر؟ و سرانجام آنکه، سلطان جدید، در این مسیر با چه چالشهایی روبرو خواهد شد. این موضوع، مسئله ای است که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

اگر چه هنوز مدت زیادی از آغاز به کار سلطان جدید نگذشته است و این مدت برای یک بررسی دقیق و نتیجه گیری قطعی کافی نیست، اما نظر به اهمیت موضوع در منطقه خلیج فارس و نقش سنتی کشور عمان در چند دهه اخیر در روندهای سیاسی منطقه، ضرورت ورود به این بحث و بررسی های اولیه در این زمینه، احساس می گردد. منطقه خلیج فارس و درمقیاسی وسیع تر منطقه خاورمیانه، به لحاظ راهبردی و ترکیب نژادی و مذهبی و همچنین تامین منابع انرژی جهان، از اهمیت خاصی برخوردار است. وضعیت این منطقه به گونه ای است که در طول تاریخ معاصر، شاهد تنش ها، بحران ها و گاهی جنگ ها بوده است و در دوره زمانی کنونی نیز، بیش از هر زمان دیگر آستان حوادث و بحران ها است. وجود کشوری مانند عمان با سیاست خارجی بی طرفی مثبت و ثبات آفرین در دهه های اخیر، مورد توجه بوده است. به همین دلیل، ادامه سیاست معمول این کشور در منطقه و یا تغییر معنی دار آن می تواند در معادلات سیاسی منطقه و همچنین شعله ور شدن و یا فروکش کردن بحران ها موثر باشد. وجود یک کشور بی طرف و مسالمت جو مانند عمان در منطقه خلیج فارس، که همواره در مناقشات موضع بی طرفی مثبت خود را حفظ و بر آرامش و ثبات تاکید می کند، اثری مثبت و سازنده در این منطقه دارد. بخصوص نقش میانجیگرانه و همچنین میزبانی مذاکرات طرف های درگیر توسط عمان، باعث شده است که این کشور همواره مورد توجه تحلیلگران و فعالان حوزه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی قرار گیرد.

فرضیه مقاله این است که با توجه به ساختارهای سیاسی، تاریخی و فرهنگی عمان و میراثی که سلطان قابوس در سیاست خارجی از خود بر جای گذاشته است، تغییر قابل توجهی در سیاست خارجی عمان مشاهده نخواهد شد و سلطان جدید، در چنین ساختاری، همان سیاست خارجی بی طرفی را ادامه خواهد داد. در عین حال، جانشین سلطان قابوس، ممکن است به منظور ارائه شیوه مشخصی از سلطنت خود، در برخی رویه ها و ابزارهای دیپلماتیک جدید برای اجرای این سیاست بهره گیرد.

برای ارائه بحث در این مقاله از نظریه ساختار- کارگزار (در چارچوب نظریه سازه انگاری) بهره می‌گیریم تا نشان دهیم که در سیاست خارجی یک کشور، ساختار چگونه بر کارگزار اثر می‌گذارد.

۲- چارچوب نظری: سازه انگاری و مفهوم ساختار-کارگزار

در بررسی موضوع پژوهش، برای تحلیل پیامدهای مرگ سلطان قابوس برای سیاست خارجی این کشور و رویکردهای سلطان جدید عمان و مقایسه آن با عملکرد و جهت‌گیری سلطان پیشین در این زمینه، از نظریه سازه انگاری بهره گرفته است. در همین حال از مفروضات مختلف نظریه سازه انگاری، گزاره ساختار - کارگزار را مورد استفاده قرار داده‌ایم. علت آن است که در جهت‌گیری سیاست خارجی عمان عنصر ساختار و کارگزار هر دو نقش آفرین هستند. یعنی سیاست خارجی عمان از یک سو محصول تأثیرپذیری از عناصر ساختاری همچون ژئوپولیتیک است و از سوی دیگر اشخاص و نیروهای سیاسی نیز، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نظریه ساختار- کارگزار دو گروه نظریه را می‌توان مشاهده کرد:

گروه اول: نظریه‌هایی است که کارگزار را علت اساسی رخدادهای سیاسی تلقی می‌نمایند. از این دیدگاه، دست اندرکاران سیاست خارجی، بازیگرانی هستند که به دنبال دست‌یافتن به اهداف خود در عرصه بین‌المللی می‌باشند. از این منظر می‌توان با بررسی رفتار و مشاهده ظاهرکنش عقلانی بازیگران (کارگزاران)، دیپلماسی و رویکرد سیاست خارجی یک کشور را در قبال کشور(های) دیگر، مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در این مدل، کارگزار با تکیه بر تصورات، پیش فرضها و دانش خود در برابر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، تصمیم‌گیری نموده و امور مربوط به سیاست خارجی کشور خود را اولویت بندی می‌کند.

گروه دوم: نظریه‌هایی است که در آنها ساختار اصالت دارد. این نظریه‌ها، تلاش می‌نمایند که رفتارهای سیاست خارجی یک کشور و همچنین سیاست بین‌الملل را در قالب یک ساختار تحلیل نمایند و نقش کارگزار را در این زمینه کاهش دهند.

از نگاهی دیگر، سه نظریه در خصوص مسئله ساختار - کارگزار، وجود دارد: نظریه اول به تعیین کنندگی نقش کارگزار نسبت به ساختار معتقد است. نظریه دوم به اولویت و تعیین کنندگی ساختار نسبت به کارگزار توجه دارد، اما گروه سوم سعی دارد به دوگانه انگاری ساختار و کارگزار فائق آمده و رابطه دو جانبه آنها را بررسی کند (سادات گرامیان و پورقوشچی، ۱۳۴: ۱۳۹۴).

در موضوع بررسی رفتار سیاست خارجی عمان، مسئله ساختار- کارگزار، اثر دو جانبه و متقابل دارد. از طرفی، ساختار کشور عمان بویژه از نظر هویت فرهنگی و تاریخی، کارگزار را وا می‌دارد که برای تامین منافع ملی کشور خود سیاست بی‌طرفی و مسالمت‌جویی را دنبال کند. و از طرف دیگر، کارگزاران ارشد (سلطان پیشین و سلطان کنونی) این کشور، به دلیل جایگاه سیاسی و مشروعیت و نوع نگاه مردم این کشور به مقام سلطان و همچنین شخصیت کاریزماتیک (درمورد سلطان قابوس)، توانایی تأثیرگذاری و هدایت و شکل‌دهی به ساختار سیاسی این کشور را، براساس نگاه و تفکرات خود، دارند.

یکی از موضوعات مورد توجه در سازه انگاری، در مطالعه رفتار دولتها در عرصه بین‌الملل، ساختارهای غیرمادی و یا به عبارت دیگر ساختارهای معنایی مانند هویت و فرهنگ یک کشور است (سمیعی اصفهانی و دیگران،

۱۳۹۴:۷). هویت یکی از مسائلی است که در شکل دادن به ساختار سیاسی کنونی کشور عمان اثرگذار می‌باشد. موضوع هویت و حفظ آن از جانب سلطان قابوس، امری مسلم در دهه‌های گذشته این کشور بوده است. سلطان قابوس در سخنرانی خود خطاب به مردم در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۴ (روز ملی این کشور) می‌گوید: "تاریخ ثابت کرده است که ملتها پیشرفت نخواهند کرد و توسعه نخواهند یافت مگر آنکه به طور مداوم به تجدید ایده‌های خود بپردازند. این موضوع درخصوص افراد و مردم نیز کاربرد دارد. شکست در این زمینه، نتایج زیانباری در پی دارد. از این جهت ما از اولین روز رنسانس در کشورمان تصمیم گرفتیم به این بیماری دچار نشویم. ما هویت و میراث معنوی خود را حفظ و ادامه داده‌ایم." وی در این سخنرانی از حفظ سنت‌ها، عادت‌ها، هنر و ادبیات نیز صحبت می‌کند (kechichian, 1995:338).

صاحب نظران بر این عقیده‌اند که هر دولت، هویتی را برای خود در تعامل با دیگر دولت‌ها تعریف می‌کند یا این هویت را به او نسبت می‌دهند و منافع ملی نیز بر این اساس، معطوف به نحوه تعریف هر واحد سیاسی از خود است که سیاست خارجی آن کشور را شکل می‌دهد (سمیعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴:۷). در این میان می‌توان گفت که ارزش‌ها و هنجارهای موجود در ساختار اجتماعی یک کشور و یک ملت، هویت آن را شکل می‌دهد. آنچه در این خصوص اهمیت دارد، نقش ارزش‌ها و هنجارها در تعریف هویت، امنیت و قدرت دولت‌ها است. مطابق رهیافت این نظریه، با درک چگونگی تأثیرگذاری هنجارها بر هویت، می‌توان چگونگی تعریف منافع ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است، درک کرد (سمیعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴:۸)

۲-۱- پیشینه پژوهش :

در خصوص موضوع این مقاله، باید گفت که موضوع جدیدی است و تا کنون کار مدون علمی به زبان فارسی در باره این موضوع صورت نگرفته است. لذا بیشتر منابع مورد استفاده به زبان انگلیسی است. ارسیا و احمدی (۱۳۹۲)، در مقاله خود تحت عنوان "مسائل ژئوپلیتیکی، امنیتی، اقتصادی، دفاعی خلیج فارس" با اشاره به اینکه منطقه خلیج فارس به علت وجود منابع عظیم انرژی و تنگه هرمز از مناطق استراتژیک جهان می‌باشد، این سوال را مطرح می‌کنند که نقش ایران در منطقه خلیج فارس چگونه است؟ فرضیه این پژوهش عنوان می‌کند که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزائی ایفا می‌کند. در این مقاله، در خصوص کشور عمان گفته شده است که این کشور به دلیل قرار گرفتن در گذرگاه استراتژیک هرمز، دارای ارزش استراتژیک است و مورد توجه قدرتهای بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا است. بخش‌هایی از این مقاله، که اهمیت منطقه خلیج فارس را در سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد، در پژوهش حاضر مورد استناد قرار گرفته است.

آل بصوص^۱ و ماشانی^۲ (۲۰۲۰)، در مقاله "راهبرد دیپلماسی عمان: ابزار مانور دادن برای مواجهه با چالش‌های منطقه‌ای" بر راهبرد دیپلماسی عمان بعد از سال ۱۹۷۰ تمرکز نموده و دکتترین سیاست خارجی این کشور را مبتنی بر عدم مداخله و میانجیگری دانسته‌اند. یافته این مقاله، آن است که سیاست خارجی عمان یک سیاست منحصر به

^۱-Albassos

^۲-Maashani

فردی است که از مولفه‌های استقلال، پراگماتیسم و میانه روی تشکیل شده و مبتنی بر فرهنگ عدم مداخله و میانجیگری است. این مقاله به عنوان منبعی برای مستدل نمودن پژوهش کنونی، مورد استفاده قرار گرفته است. بایکار^۱ (۲۰۲۰)، در مقاله خود تحت عنوان "نقطه نظر؛ چالش‌هایی برای سلطان جدید عمان" با اشاره به شروع به کار سلطان جدید در این کشور، چالش‌های داخلی و موفقیت‌های سیاست خارجی عمان را در دوران سلطان فقید، بر شمرده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که سلطان هیثم بن طارق در اداره کشور با مشکلات عدیده داخلی و خارجی مواجه خواهد شد. این مقاله را اگر چه می‌توان نوعی تحلیل و پیش بینی در خصوص مشکلات سلطان جدید عمان دانست اما به اندازه و گستردگی پژوهش حاضر، به موضوع نپرداخته است.

دیو-گاندرسن^۲ (۲۰۲۰) در مقاله خود تحت عنوان "دوسلطان: از قابوس تا هیثم بن طارق" پس از بیان برجستگی‌های ویژه سلطان قابوس، به محبوبیت وی در میان مردم عمان پرداخته است. نویسنده، برخی از چالش‌های پیش روی سیاست خارجی و داخلی این کشور را که سلطان جدید عمان با آن مواجه خواهد بود، بر شمرده است. یافته‌های این نویسنده نشان می‌دهد که سلطان جدید ناچار به حفظ میراث سلطان قابوس به عنوان پدر "عمان مدرن" می‌باشد. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در آن است که، به طور کامل به سیاست خارجی عمان و عوامل اثرگذار در آن، نپرداخته و از این جهت، خواننده را از این پژوهش بی‌نیاز نمی‌کند.

آل فیصل^۳ (۲۰۲۰) در مقاله خود تحت عنوان "عمان قابوس و چالش‌های سلطان جدید"، نقش برجسته سلطان قابوس را در سیاست داخلی و خارجی این کشور مورد توجه قرار داده و به چالش‌های پیش روی سلطان جدید پرداخته است. این مقاله اگر چه به تحلیل موضوع پرداخته، که نقطه قوت آن به شمار می‌رود، اما در مقایسه با پژوهش کنونی، از گستردگی لازم برخوردار نیست.

آنچه که پژوهش حاضر را با مقالات فوق متفاوت می‌کند این است که اولاً از نظر موضوع، حیطه کامل‌تر و گسترده‌تری را شامل می‌گردد. بدین معنی که از جوانب مختلف به مسئله مورد بحث پرداخته شده است. از منظر سوال و فرضیه این مقاله نیز، که در مقدمه این بحث مطرح گردید و همچنین از نظر چارچوب نظری بحث (ساختار- کارگزار)، اثر علمی متفاوتی است.

۳- روش تحقیق :

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است که تنها تحقیقی است که تاکنون در زمینه مرگ سلطان قابوس و تأثیری آن بر سیاست خارجی عمان انجام شده و با روش تهیه فیش و کتابخانه ای و استفاده از منابع دست اول انگلیسی و عربی، به نتیجه گیری و تحلیل پرداخته است. سوال اصلی در این مقاله آن است که مرگ سلطان قابوس چه تأثیری بر سیاست خارجی عمان در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در پی خواهد داشت؟ فرضیه مقاله آن است که با مرگ سلطان قابوس و آمدن سلطان هیثم بن طارق به جای وی، در راهبردهای اصلی و سیاست خارجی این کشور تغییر معناداری پدید نخواهد آمد، ولی در تاکتیک‌ها و رویه‌های دیپلماسی تغییراتی را شاهد خواهیم بود.

^۱- Baycar

^۲- Due-Gundersen

^۳- Al-Faisal

۴-۱- سیاست خارجی عمان: بی طرفی مثبت

موقعیت استراتژیک، وجود منابع نفتی و اهمیت تجاری و بازرگانی عمان بر جهت گیری سیاست خارجی این کشور تاثیرگذار بوده و باعث گردیده این کشور سیاست بی طرفی مثبت را در منطقه پیش گیرد. نوعی سیاست خارجی از جانب کشور عمان که با تغییر موقعیتهای زمانی و مکانی و تحولات پیچیده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، تغییر ماهوی پیدا نمی کند و بر اصولی پایدار بنا شده است. مسقط از متحد شدن با پادشاهی های شبه جزیره عربی در سیاست خارجی مانند جنگ ائتلاف عربی علیه حوثی ها در یمن، پشتیبانی از شورشیان سنی که با رژیم سوریه می جنگند، اتخاذ اقدام سیاسی علیه ایران، محاصره قطر و مداخله نظامی در بحران های داخلی لیبی و بحرین در خلال انقلاب های بهار عربی ۲۰۱۱ امتناع کرده است (Karasik and Paraskevopoulos, 2019:2). در عین حال، در اغلب بحرانهایی که در منطقه خلیج فارس بروز پیدا می کند، کشور عمان تلاش کرده است که به عنوان میانجی و میزبان مذاکرات عمل نموده و در فروکش کردن بحران های ای نقش نماید. عمان با اتخاذ سیاست خارجی بی طرفی مثبت و دوستی، حتی با طرف های درگیر در مناقشات گوناگون، همواره سعی نموده چنین موضع و جایگاهی را در مناسبات منطقه ای و بین المللی خود حفظ نماید.

۴-۲- نقش سلطان قابوس در سیاست خارجی بی طرفی مثبت عمان

عوامل متعددی بر اتخاذ سیاست خارجی بی طرفی مثبت از جانب سلطان قابوس تاثیر گذار بوده است که مهمترین آنها را می توان عامل ژئوپلیتیک، عوامل اقتصادی، حفظ ثبات داخلی کشور، و همچنین عامل مذهب در کشور عمان تلقی کرد که ساختار کشور عمان را شکل می دهند. در خصوص عامل استراتژیک باید گفت که اهمیت راهبردی این کشور و قرار گرفتن در نقطه ای حساس از نظر جغرافیایی در خلیج فارس، که آسیب پذیری این کشور را در صورت هر گونه نا آرامی افزایش می دهد، موجب اتخاذ یک سیاست خارجی متعادل و واقع بینانه ای شده است که بر مبنای بی طرفی مثبت، میانجیگری و ثبات آفرینی در منطقه خلیج فارس و حتی فراتر از آن در کل خاورمیانه، از طرف این کشور گشته است. همچنین در خصوص تاثیر ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی عمان؛ با توجه به اینکه این کشور از نظر استراتژیک در طول گوشه جنوب شرقی شبه جزیره عربی نزدیک تنگه هرمز واقع شده است و از طریق این تنگه، روزانه هزاران تن نفت به بازارهای جهانی می رسد، بنابراین، سلطان نشین را در یک محل دارای اهمیت برتر برای اقتصاد جهانی قرار داده است (ارسیا و احمدی، ۱۳۹۲:۳۷۴)، (Karasik and Paraskevopoulos, 2019:1-2).

عوامل اقتصادی در نقش عمان در ثبات منطقه خلیج فارس نیز موثر می باشند که این عوامل را نیز باید در راستای موقعیت استراتژیک این کشور دانست. عمان علاوه بر قرار گرفتن در مسیر تجارت و بازرگانی و موقعیت ممتاز تجارت بین المللی، خود نیز دارای ذخائر نفتی است که با استخراج و عرضه آن به بازارهای جهانی درآمد کسب می کند. وجود چنین موقعیت تجاری خوب و درآمد نفتی که بودجه کشور به آن متکی است، باعث شده است تا این کشور در صدد کاهش تنشها و ایجاد ثبات در منطقه باشد، تا اقتصاد و درآمد خود را از هر گونه صدمه دیدن و متلاشی شدن، باز دارد. عمان در مقایسه با کشورهای همسایه خلیج فارس فقط ۵٪ اقتصاد این منطقه را تشکیل

می‌دهد و تنها یک کشور از این حوزه بعد از عمان قرار دارد که آن هم کشور بحرین با ۲٪ است (Szalai, 2018:9,10). این کشور با اتخاذ رویکردهایی درخصوص اقتصاد پایدار، انرژی تجدیدپذیر، اقتصاد مبتنی بر نوآوری و توسعه تکنولوژی‌های جدید اقتصادی مانند بانکداری اسلامی (Szalai, 2018:1)، تلاش در بهبودی و ارتقاء وضعیت اقتصادی خود می‌نماید. این امر، خود به محیطی آرام و به دور از تنش نیاز دارد. لذا اقتصاد عامل مهمی در ایجاد ساختار خاص کشور عمان در منطقه می‌باشد و موجب شده است که سلطان فقید عمان به عنوان کارگزار ارشد این کشور، برای حفظ منافع اقتصادی کشورش، سیاست تنش زدائی و مسالمت جویی را اتخاذ نماید. علاوه بر این، کشور عمان در اقتصاد خود، به کشورهای همسایه متکی است و وجود ارتباطات حسنه و مسالمت آمیز بین این کشور و سایر کشورهای همسایه و منطقه، برای عمان و اقتصاد این کشور خیلی حائز اهمیت است. بلکه فراتر از آن، عمان، هر گونه بحران و تنش بین سایر کشورها در منطقه خلیج فارس و ناامن شدن این منطقه را، به ضرر اقتصاد خود می‌داند و این امر، سلطان فقید این کشور را وا داشت تا در کاهش تنش و بحران در منطقه، نقش فعالی ایفا نماید.

دو عامل دیگر موثر بر اتخاذ سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت از جانب سلطان فقید عمان را می‌توان یکی، حفظ ثبات داخلی و دیگری، مذهب مردمان این کشور دانست. ثبات داخلی این کشور، تاثیر مهمی در اتخاذ سیاستهای مسالمت جویانه و ثبات آفرین این کشور در منطقه دارد. معمولاً کشوری که در درون خود دارای بی‌ثباتی و نارضایتی مردم و مشکلات داخلی است به سختی قادر خواهد بود نقش مثبتی در صحنه سیاستهای منطقه‌ای و یا جهانی ایفا نماید. آن گونه که از وضعیت عمان در جریان رسانه‌ای قابل درک است و منابع نیز به آن اشاره می‌نمایند، این است که مردم این کشور دارای رضایتمندی قابل ملاحظه‌ای از نظام سیاسی خود هستند. عمان از جمله کشورهای منطقه خلیج فارس است که در دهه‌های اخیر نا آرامی داخلی در آن کمتر مشاهده و گزارش شده است. در حقیقت، سلطان فقید عمان به یک معادله طلائی دست یافته است. وی در این معادله برد - برد، از یک طرف رضایتمندی مردم و ثبات داخلی را حفظ می‌کند تا در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بهتر فعالیت کند و تاثیرگذار باشد و متقابلاً تلاش می‌کند تا با تعاملات مثبت منطقه‌ای و بین‌المللی، سلامتی و امنیت کشور و مردم خود را تضمین نماید و در نتیجه رضایتمندی آنها فراهم کرده و به ثبات داخلی کشورش کمک کند.

عامل مذهب نیز نقش قابل توجهی در اتخاذ سیاستهای مسالمت جویانه توسط سلطان قابوس داشته است. بیشتر عمانی‌ها، علیرغم همسایگان شیعه و سنی خود، پیرو (مکتب) عبادیسم هستند (Bodetti, 2020:2) (Szalai, 2018:5). عبادیسم همان مذهب اباضیه است. رفتارهای عمومی مردمان این کشور و همچنین رویکرد دیپلماسی خارجی سیاستمداران آن و در راس آنها سلطان قابوس، متأثر از تعالیم و تاثیرات این مذهب است. مذهبی که رویکردی صلح طلبانه و مسالمت جویانه نسبت به زندگی انسانها دارد و از موضع همزیستی مسالمت آمیز، حتی با کیش‌ها و ادیان دیگر، به تعاملات انسانها می‌نگرد. عبادیسم یک انشعاب محافظه کارانه از اسلام است که میانه‌روی و بردباری را مورد تاکید قرار می‌دهد (Bodetti, 2020:2). لذا از این منظر نیز می‌توان گفت که میانه‌روی مذهبی در مذهب اباضیه، نقطه مثبت شکل دهنده به ساختار این کشور و در نتیجه نوع سیاست خارجی مسالمت جویانه‌ای است که سلطان قابوس اتخاذ کرده است، به ویژه در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه که اختلافات مذهبی در میان پیروان مذاهب شیعه و سنی، همواره موجب تنش و تصورات نامطلوب در بین برخی

از کشورهای این منطقه گشته است. به عنوان مثال، یکی از علل اصلی، حفظ روابط دوستی بین عمان و ایران (شیعی مذهب) از یک طرف، و در عین حال، ایجاد تعادل و عقلانیت در روابط بین عمان و عربستان (سنی مذهب و دشمن سرسخت ایران)، از طرف دیگر، وجود مذهب اباضیه یا همان عبادیسم در کشور عمان است. بنابراین می‌توان گفت از منظر ساختار- کارگزار، هم ساختار کشور عمان به گونه‌ای بوده است که در شکل دهی رفتار سیاست خارجی سلطان قابوس تاثیر قابل توجهی گذاشته و هم اینکه شخص سلطان قابوس به عنوان کارگزار که نقشی برجسته و کارزماتیک در سیاستگذاری داخلی و خارجی کشور داشته است، متقابلاً در شکل دهی و قوام بخشیدن به این ساختار، اثری قابل توجه از خود برجای گذاشته است.

۴-۳- مرگ سلطان قابوس و پیامدهای آن در سیاست خارجی عمان

بدون شک درگذشت سلطان قابوس و تغییر رهبری در کشور عمان از رویدادهای مهم سیاسی در منطقه خاورمیانه است که هم مورد توجه تحلیلگران سیاسی و هم سیاستمداران منطقه است، زیرا وی نه تنها به عنوان یک رهبر مقتدر و قابل احترام در کشور خود می‌باشد بلکه به عنوان یک سیاستمدار توازن ساز و ثباتگرا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شناخته می‌شود که در کنترل و فرونشاندن اغلب بحرانها در منطقه و وساطت و میانجیگری مناقشات، بهترین گزینه و در مواردی تنها گزینه موجود است. وی این نقش تاثیرگزار را آنچنان به خوبی و به صورت پایدار در طول ۵ دهه حکمرانی خود و به ویژه دو سه دهه اخیر انجام داده است که به سمبلی برای چنین نقشی در منطقه تبدیل گردیده است. کافرو معتقد است که احتمالاً هیچ رهبر عربی، در دوران اخیر، این میزان از مشروعیتی که قابوس در میان ملت و پیروان خود از آن برخوردار بوده است، نداشته است. به گفته وی، در واقع در میان عمانی‌ها، قابوس بسیار محبوب بود و با توسعه اجتماعی و اقتصادی مسقط، اعتباریافته است (Cafiero, 2020:4).

از منظر سیاست خارجی، همانطور که بیان شد، نقش عمان در بی‌طرفی مثبت در منطقه معروف است و این حاصل سیاست مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز سلطان قابوس می‌باشد. سلطان قابوس، نقش مهمی در دیپلماسی منطقه ایفا نمود و به عنوان حافظ استقلال کشور در سیاست خارجی در خلال ۴۹ سال حکومت خود شناخته شده بود (Bianco, 2020:11). به همین دلیل، مرگ سلطان قابوس قطعاً برای این کشور و سیاست خارجی آن پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. شخصیت وی آنچنان کارزماتیک بود که سلطان جدید، هر چقدر هم متعهد به ادامه راه او باشد، به دلیل برخوردار نبودن از کارزمای سلطان قابوس و جایگاه رفیعی که وی در بین ملت خود، به دلیل تحولات اساسی و رو به جلو که در کشور ایجاد کرد، برای پر کردن این جایگاه با مشکل مواجه خواهد بود. لذا اولین پیامدی که فوت سلطان قابوس برای سیاست خارجی این کشور در پی خواهد داشت این است که نقش سنتی عمان در حفظ توازن و ثبات در منطقه خلیج فارس و اعتماد قابل توجهی که همه طرفهای درگیر در مناقشات منطقه به این کشور و دستگاه خارجی آن که مستقیماً زیر نظر سلطان اداره می‌شود، پیدا کرده اند، تا حدودی تضعیف شود. صاحب‌نظران، این دغدغه خاطر را اینگونه بیان می‌کنند که "اینکه آیا جانشین وی بتواند نقش مستقل دیپلماتیک او را ادامه دهد یک سوال اساسی برای سیاست منطقه خواهد بود" (Bianco, 2020:9).

یکی دیگر از پیامدهای محتمل مرگ ایشان، احتمال تسلیم شدن عمان در برابر فشار سیاستهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی و بحرین است که با سیاست بی طرفی عمان نظر مثبتی ندارند و تلاش می کنند از هر فرصتی برای تضعیف این سیاست و فشار بر این کشور برای تغییر این رویکرد خود استفاده کنند. درباره امکان اینکه امارات متحده عربی و عربستان سعودی از نفوذ خود در مقابل عمان برای فشار به جانشین قابوس استفاده کنند تا مسقط را هرچه نزدیکتر به ابوظبی و ریاض متحد نمایند، مطالب زیادی نوشته شده است (Cafiero, 2020:8). همسایگانی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و ایران، همه دارای سهم در آینده سیاست داخلی و خارجی عمان می باشند. سلطان قابوس با هدایت آنچنان سریع و قاطعانه خود، این کشورها را در حاشیه نگه داشته است (Bianco, 2020:7).

لذا یکی از پیامدهای مرگ سلطان قابوس در سیاست خارجی این کشور در کوتاه مدت، تلاش برخی از کشورهای قدرتمند منطقه برای فشار آوردن به دستگاه حاکمیت جدید است. هدف از این کار، فشار آوردن بر این کشور برای تغییر سیاستها و موضع بی طرفی خود در منطقه و پیوستن به بلوک کشورهای عربی منطقه خلیج فارس است. بویژه، این رویکرد را به منظور در تقابل قرار دادن عمان و جمهوری اسلامی ایران به کار خواهند گرفت. همچنین با نزدیک شدن و عادی سازی روابط برخی از این کشورها منطقه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی، تلاش می نمایند تا عمان را برای پیوستن به این اردوگاه ترغیب کنند، امری که محتمل به نظر می رسد. زیرا زمینه عادی سازی روابط عمان با رژیم اشغالگر قدس، با توجه به سیاست کاهش تنش عمان با کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه و رویکرد مسالمت حویانه این کشور، از پیش وجود داشته است.

۴-۴- رویکردهای سلطان جدید عمان در زمینه سیاست خارجی

اینک باید دید که با توجه روی کار آمدن سلطان هشتم، در کشوری که به اعتدال گرایی و ثبات سازی در منطقه معروف است، رویکردهای وی به عنوان سلطان جدید، به ویژه در زمینه سیاست خارجی معروف به بی طرفی مثبت این کشور چیست و اینکه آیا در دستگاه جدید رهبری این کشور تغییری در این رویکردها بوجود خواهد آمد یا خیر. این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است و به همین دلیل گفته می شود که "بسیاری از تحلیلگران در خصوص آینده عمان، در پی مرگ سلطان قابوس بن سعید، بر روی سیاست خارجی عمان و احتمال اینکه سلطنت نشین (عمان) همان درجه از استقلال از رقبای منطقه ای را حفظ و ادامه خواهد داد تمرکز نموده اند." (Diwan, 2020:8). با توجه به نظریه ساختار- کارگزار، ساختار تاریخی- سیاسی عمان و موقعیت استراتژیک جغرافیایی این کشور، به گونه ای است که سلطان جدید را و می دارد تا در زمینه سیاست خارجی، همان رویه سلطان پیشین را ادامه دهد و با حفظ راهبردها، تلاش خواهد کرد با ابتکارات خاص خود، سیاست خارجی بی طرفی مثبت را در پیش گیرد.

هشتم بن طارق، سلطان جدید عمان در اولین نطق خود پس از انتخاب به عنوان پادشاه عمان اعلام کرد که سیاستهای خارجی سلطان قابوس به خصوص کمک به حل اختلافها و حمایت از همکاری کشورهای خلیج فارس را ادامه خواهد داد (Cafiero, 2020:22)، (Diwan, 2020:14). وی همچنین در همین اظهارات قول داده است که مسقط به حل صلح آمیز مناقشات ادامه می دهد (Cafiero, 2020:3).

سلطان جدید، هیثم بن طارق آل سعید، در ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰، به عنوان سلطان جدید عمان پس از سلطان فقید قابوس، به سلطنت رسید. او اطمینان داد که: "سیاست خارجی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز همکاری بین‌المللی را ادامه خواهد داد و در حل مشکلات و همکاری با کشورهای عربی در خلیج فارس مشارکت کند. او تاکید کرد که عمان روابط دوستانه را با تمام کشورها تداوم می‌بخشد." (Al-Faisal, 2020: 9).

به گفته سیورز^۱، درخصوص روابط خارجی عمان، سلطان هیثم قبلاً قصد خود را برای ادامه سیاست میانه روی و میانجیگرانه بسیار مورد تحسین سلطان قابوس، اعلام کرده است، راهبردی که وزیر خارجه (کنونی عمان)، بدر آلبوسعیدی، یک مدافع ماهری برای آن است (Sievers, 2020:19). نقش ویژه عمان در زمینه کنترل بحرانهای منطقه، در زمانی که مناقشات در سراسر خاورمیانه با خشونت ادامه دارد و کسی نمی‌داند که تنش‌های ایالات متحده و ایران به کدام سو می‌رود، سلطان نشین (عمان)، نقش ویژه‌ای در زمینه توسعه راه حل‌های دیپلماتیک برای بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را بر عهده خواهد داشت (Cafiero, 2020:15).

برخی از سیاست‌های سلطان هیثم و از جمله رویکردهای سیاست خارجی این کشور را می‌توان در قالب رفتار سنتی سیاسی عمان و نزدیکی سردمداران این کشور با قدرتهای جهانی به ویژه بریتانیای کبیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که سلطان فعلی لاجرم و به طور طبیعی ملزم به اجرای آنهاست. هیثم همانند دیگر سلاطین عمان به ملکه (پادشاه) انگلستان نزدیک است و تداوم روابط ممتاز با پادشاهی متحده را تضمین خواهد کرد. هیثم با تاکید بر دوستی با تمام همسایگان، سیاست بی‌طرفی مسقط را بین ریاض و تهران مورد تایید مجدد قرار داد (Bianco, 2020:13). هیثم که فارغ التحصیل آکسفورد است و در آن دانشگاه دیپلماسی خوانده است، به عنوان مدیرکل، معاون وزیر و وزیر در وزارت خارجه خدمت کرده است. این مهارتهای دیپلماتیک به سلطان هیثم کمک می‌کند که سیاست‌های منطقه‌ای را هدایت کند و در عین حال سیاستهای سنتی عمان را حفظ نماید، آنگونه که وی در اولین بیانات خود متعهد شد که چنین عمل کند (Bianco, 2020:11).

چند عامل مشخص وجود دارد که باعث می‌گردد تا سلطان هیثم در ادامه رویکرد سلطان قابوس، همان سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت را در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه دنبال کند و به نقش میانجیگرانه خود در بحرانها و مناقشات منطقه تداوم بخشد.

یکی از این عوامل، نقش تاریخی و سنتی عمان در این چند دهه گذشته در منطقه است که همواره موضعی معتدل، مبتنی بر بی‌طرفی و میانجیگرانه در منطقه اتخاذ کرده است. برخی صاحب‌نظران با اشاره به اینکه موضع عمان به عنوان یک کانال ارتباطی غیرمستقیم بین غرب و کشورهای عربی از یک طرف و جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر، دهه‌هاست که پابرجا مانده است، زمینه را چنان می‌بینند که ملت عمان عموماً انتظار ادامه سیاستهای گفتگو و میانجیگری سلطان قابوس را دارند. در سرتاسر سلطان نشین (عمان) اعتقاد گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه خاورمیانه از عدم وجود گفتگو رنج می‌برد و (کشورهای) زیادی در منطقه برای حل بحرانها، بیش از حد متکی به نیروی نظامی می‌باشند، همانگونه که عمانی‌ها چنین می‌انگارند که بهتر است ایران را در (گفتگو و تعامل برای حل مسائل و بحرانهای منطقه) درگیر کرد تا اینکه این کشور را منزوی نمود (Cafiero, 2020:10).

^۱ - همکار ارشد برنامه‌های خاورمیانه در شورای آتلانتیک و سفیر سابق آمریکا در عمان (۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹)

عامل دیگر برای ادامه سیاست بی‌طرفی مثبت توسط سلطان جدید عمان، عملکرد شاخص سلطان قابوس است که با توجه به نقش کارزماتیک خود توانست، هم برای مردم کشورش و هم در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، به عنوان شخصیتی میانه رو و مسالمت‌جو ظاهر شود. وی به مدت پنج دهه این نقش را برای خود و کشورش تثبیت نمود. لذا تغییر اساسی در سیاستهای ثابت سلطان قابوس برای سلطان جدید به راحتی امکان پذیر نیست. هیثم بن طارق پیچیدگی‌ها و ریزه کاری‌های بن قابوس در زمینه امور بین‌الملل را می‌داند و قسم خورده است که در مسیر سلف خود گام بردارد (Baycar, 2020: 3). وی، همانند سلف خویش به گسترش همزیستی مسالمت آمیز و یکپارچگی اقتصادی کشورهای خلیج فارس، از جمله ایران، متعهد است (Cafiero, 2020: 18). اگر سلطان هیثم موفق شود در مهار کردن بحرانها و اداره کردن امور با پیچیدگی و انعطاف پذیری سلطان قابوس عمل کند، سیاست خارجی عمان و پرداختن به حل مشکلات داخلی کشور خیلی تفاوتی نخواهد کرد (Al-Faisal, 2020: 10).

عامل دیگر موثر در این زمینه، که سلطان هیثم را وا می‌دارد بر مدار رویکردهای سیاست خارجی موجود این کشور که توسط سلطان قابوس ترسیم شده، حرکت کند، موضوع ژئوپلیتیک کشور عمان و موقعیت جغرافیایی و راهبردی این کشور است. زیرا همانطور که گفته می‌شود، ژئوپلیتیک یکی از مولفه‌های بسیار مهم و تاثیرگذار بر رویکردهای یک کشور به جهان خارج است و در بسیاری از موارد، کشورها را به جهت گیری خاص وا می‌دارد. زیرا که، گذشته از منابع مادی و انسانی قدرت یک کشور، موقعیت جغرافیایی که قدرت در چهارچوب آن اعمال می‌شود نیز برای ایجاد برتری سیاسی بسیار با اهمیت است و تصمیم گیرندگان سیاسی، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی خود را در یک فضای ژئوپلیتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند (کرمی، دوست محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). اسلام تایمز (به نقل از الوقت) در ۲ شهریور ۱۳۹۹، با اشاره به برکناری بن‌علوی از وزارتخارج عمان، این مسئله را در راستای تغییرات طبیعی سلطان قابوس در کابینه تعبیر می‌کند و می‌افزاید: "با توجه به اینکه سلطنت عمان از نظر ژئوپلیتیک دارای شرایطی است که امکان خارج شدن این کشور از خط مشی میانه روی و قرار گرفتن در ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه دیگر بازیگران منطقه را به آن نمی‌دهد، نمی‌توان انتظار داشت که مسقط در سیاست خارجه خود بازنگری کند".

عامل دیگر موثر در ادامه اتخاذ سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت توسط سلطان هیثم، وضعیت همسایگان کشور عمان و گوناگونی اهداف و استراتژی آنها در سیاست خارجی است که به شکل تقابل، تضاد و گاهی اشتراک منافع در میان آنها ظاهر می‌شود. وضعیت این همسایگان به گونه‌ای است که کشور عمان برای ادامه تعامل با همه آنها و در نظرگرفتن منافع ملی خود، راهی جز حفظ بی‌طرفی و ایفای نقش مثبت در فروکش کردن بحرانها و مناقشات ندارد. زیرا کشور عمان نه آنچنان قدرتمند است که بر قدرت اقتصادی یا نظامی خود تکیه کند و نه آنچنان وسیع است که بر نیروی انسانی و جغرافیای سرزمینی خود متکی باشد و بتواند علیه کشورهای همسایه، موضع گیری خصمانه داشته باشد. بلکه بهترین نوع سیاست خارجی برای این کشور، همان سیاست میانه‌روی و مسالمت‌جویی است که متناسب با منافع ملی و منطقه‌ای آن است. سلطان هیثم نیز به خوبی از این قضیه آگاه است و انتظار می‌رود همان راه و روش سلف خود را در پیش گیرد. به همین جهت، گفته می‌شود که بسیاری از

کشورها، اولویت‌های اصلی سیاست خارجی خود را به همسایگان خود اختصاص داده و تصور آنها از دوست یا دشمن بودن همسایگان بر خط مشی‌های سیاسی شان تاثیر بسزائی دارد (کریمی، دوست محمدی، ۱۳۹۵:۱۲۷).

و سرانجام اینکه، عواملی همچون وضعیت اقتصادی کشور عمان، حفظ ثبات داخلی و عامل مذهب و همچنین موقعیت و جایگاهی که عمان به تدریج در منطقه و جهان بر اثر تداوم سیاست بی‌طرفی مثبت کسب کرده است، از دیگر عواملی هستند که باعث می‌شوند سلطان جدید عمان، همان سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت سلف خود را دنبال کند. مجموعه این عوامل، ساختار کنونی کشور عمان تشکیل می‌دهد که در تاثیر متقابل با کارگزار، جهت گیری سیاسی او را مشخص می‌کند.

۴-۵- چالشهای پیش روی سلطان جدید عمان

با توجه به اقتدار و اثر گذاری سلطان قابوس در سیاست خارجی این کشور و جایگاه و اعتبار او در منطقه، و همچنین کاریزمای منحصر به فردش در سیاست داخلی که وی را در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل موفق و پیشرو ساخته است، سلطان جدید این کشور علیرغم اینکه خود را متعهد می‌داند که راه سلطان پیشین را مخصوصاً در سیاست خارجی ادامه دهد اما باید گفت انجام این کار و ادامه ایفای نقش سلطان قابوس توسط سلطان هیثم، کار ساده‌ای نیست و چالشها و مشکلاتی را برای وی به همراه دارد. بایکار معتقد است که چالشها محدود به سیاست داخلی نیست بلکه سیاست بین‌الملل را نیز در بر می‌گیرد. به گفته وی، قابوس در خلال ۵۰ سال فرمانروایی خود توانسته بود یک سیاست بی طرفانه بین‌المللی را دنبال کند. اگرچه، چنین رویه‌ای برای بعضی‌ها مورد پسند و برای بعضی دیگر ناپسند بود. توانایی سلطان جدید در بیطرف ماندن در موقعیت‌هایی که ادامه بی‌طرفی مشکل می‌باشد، ناشناخته است (Baycar 2020: 3).

با توجه به اینکه سیاست خارجی هر کشور ادامه سیاست داخلی آن است، برای روشن شدن موضوع لازم است به چالشهای داخلی که سلطان جدید با آن مواجه اشاره گردد. بزرگترین چالشهای سلطان جدید می‌توانند در داخل کشور باشند، جایی که رکود اقتصادی همراه با قیمت‌های پایین نفت، به بودجه‌های زیاد دولت و بیکاری فزاینده در میان جمعیت زیاد جوانان این کشور منجر شده است (Hubbard, 2020:8). همچنین، سلطان جدید بایستی بر تقویت اقتصاد به تفرات افتاده، تمرکز کند و به اجرای صحنه سیاسی خود به منظور بهتر هماهنگ شدن با جمعیت در حال تغییر بپردازد (Abozzohor, 2020:53). سلطان هیثم در سطح داخلی، مواجه با چالش‌های اقتصادی می‌باشد و نیاز به جلب سرمایه گذاری‌ها و تقویت بخش دولتی و بخش خصوصی دارد. او همچنین نیازمند ارتقاء ارتش و توسعه استخدام و نظامی سازی است. وی ناچار است که به موضوع بیکاری رسیدگی کند که نیاز به راه حل‌های نامتعارف و مدرنیزه کردن دستگاه اداری دارد (Al-Faisal, 2020:9). همچنین با نگاهی به وضعیت بودجه در این کشور در سال میلادی گفته می‌شود که "در سال ۲۰۱۹ بودجه عمان تا ۵۰ بیلیون دلار افزایش یافت، و با یک شیب تند افزایش بدهی دولتی از زیر ۵٪ تولید ناخالص ملی به نزدیک به ۵۰٪ فقط در طول چهار سال، همراه گردید" (Cafiero, 2020:17). این تردید وجود دارد که هیثم بن طارق آل سعید، بخصوص با عنایت به چالشهای اقتصادی عمان، قادر خواهد بود که قدرت را به همان درجه‌ای که برای کسب موفقیت آمیز مقبولیت و تشریک مساعی نیاز خواهد داشت، به انحصار در آورد (Cafiero, 2020:20). علاوه بر آن، عمان به طور

مداوم با کسر بودجه سال مالی مواجه است و به طور مداوم به انتشار بدهی در اوراق قرضه بین‌المللی متوسل شده است (Bianco, 2020:22).

مشکل دیگر این است که عمان، با چالشها و مناقشات چندگانه در خلیج فارس، مانند کوید ۱۹ و قیمت‌های پایین نفت، جنگ جاری در یمن، تنش‌های حل نشده (برخی کشورها) با ایران، جدا شدن قطر، و هم اکنون عادی سازی سریع روابط بین اسرائیل و همسایه بلند پروازش، امارات متحده عربی، که مسقط در این خصوص به سرعت حمایت خود را از آن اعلام نمود، احاطه شده است (Sievers, 2020:15). در نتیجه، سلطان جدید عمان باید هر چه سریعتر راه حلی برای معضلات اقتصادی کشور در پیش‌گیرد تا مسیر سلطنت وی و پذیرش عمومی‌ایشان از جانب هموطنانش و جامعه بین‌المللی هموار گردد. به گفته صاحب‌نظران، پس از سالها که تصمیم‌گیری در زمینه اقتصاد به صورت روشمند در یک راهبرد "آهسته و پیوسته رفتن" قرار گرفته است، انتظارات از سلطان هشتم برای آنکه سریع و قاطعانه عمل کند، زیاد است. در این زمینه، او باید توسعه زیر ساختها را در مقیاس گسترده به ویژه در بندرها و لجستیک به پیش ببرد، و (همزمان) با احتیاط به سوی اصلاحات ساختاری پیش‌رود. رسیدن به راه‌حلهایی که راهی را برای سعادت و کامیابی بیشتری ایجاد کند و در عین حال استقلال اقتصادی عمان را حفظ کند، آسان نیست. با این وجود نگهداشت وضعیت فعلی به ویژه در خصوص اقتصاد؛ قابل دوام نیست و به رهبری جدید فشار خواهد آورد تا تغییرات فوری انجام دهد" (Cafiero, 2020:19).

یکی دیگر از چالش‌های سلطان جدید که هم با سیاست داخلی مرتبط است و هم به طور مستقیم و غیرمستقیم در سیاست خارجی این کشور اثر می‌گذارد، چهره‌ای است که وی برای هموطنان خود و جهانیان از خود نشان داده و به منصفه ظهور می‌رساند. به ویژه آنکه سلطان قبل از او (سلطان قابوس)، به عنوان شخصی مقتدر و محبوب در نزد مردم آن کشور و شخصیتی میانه رو و آرامش طلب در منطقه شناخته شده است. لذا برای سلطان هشتم، ارائه شخصیتی قوی‌تر و دارای برجستگی بیشتر، کار آسانی نخواهد بود. صاحب‌نظران در تحلیل این موضوع عنوان می‌کنند که، کار سلطان جدید در این زمینه از سلف وی سخت‌تر است زیرا وی ناچار است که تصویر خویشتن را در معرض عموم بگذارد و شانس این را ندارد که بمانند سلطان قابوس، هنگامی که به سلطنت رسید، دوره قبلی را کنار بگذارد. به همین منظور، تصویر مردمی و همراه با محبوبیت، سلطان قابوس می‌تواند یکی از اولین چالشها برای جانشین وی، هشتم بن طارق آل سعید، باشد. بویژه آنکه مرسوم است که رهبران، با سلفهای خود مقایسه می‌شوند. با در نظر گرفتن اینکه سلطان قابوس، پدر موسس و پایه گذار (عمان کنونی) است که به مدت ۵۰ سال بر کشور حکومت کرده است، به تلاشهای بیشتری از جانب هشتم بن طارق نیاز است تا مردم کشورش را متقاعد سازد که وی قادر به حکومت کردن و اداره کشور می‌باشد. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که انتظار نیست که سلطان جدید، به عنوان یک آغاز کننده (راهی) باشد بلکه دنباله رو (سلطان قابوس) خواهد بود (Baycar, 2020: 2).

در زمینه سیاست خارجی، چالش‌های سلطان هشتم قابل توجه است، زیرا اولاً عمان در عهد سلطان قابوس، به سیاست خارجی بی‌طرفانه مثبت معروف گردید و حفظ و ادامه آن کار ساده‌ای نیست. ثانیاً موقعیت منطقه خلیج فارس با حادث شدن مسائل جدید، از جمله عادی سازی روابط برخی از کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی و ادامه این روند و صف بندی‌های جدید در مجاورت همین منطقه، اوضاع منطقه‌ای را به سمت بحرانی شدن بیشتر

پیش می‌برد و کار را برای عمان و سلطان جدید این کشور، برای ادامه سیاست بی‌طرفی مثبت، مشکل‌تر می‌نماید. سلطان هشتم در زمان بسیار حساسی در خاورمیانه به سلطنت رسیده است و در ادامه دادن به حفظ توازن روابط خود با واشنگتن، تهران، ریاض، ابوظبی، و دوحه با چالش‌های زیادی مواجه خواهد بود (Cafiero, 2020:11). در جبهه خارجی، اداره کردن عمان، به دلیل درگیری و بحران‌های روبه‌رشد منطقه و همچنین اتحادهای چندگانه که سلطنت نشین (عمان) را احاطه کرده‌اند، آسان نخواهد بود و سلطان جدید بایستی برای مواجهه با این بحران‌ها که مرتبط با امنیت ملی سلطان نشین است، بخصوص جنگ در یمن، بحران قطر در خلیج فارس، و پیامدهای مناقشه ایالات متحده و ایران، کار کند (Al-Faisal, 2020: 9). سلطان هشتم با تمرکز بر راهبردهای منطقه‌ای عمان با هدف ارتقاء ثبات، میانه‌روی و عدم تشدید تنش‌ها، درحالی که روابط ایالات متحده و ایران خصمانه باقی مانده است و کشورهای خلیج فارس نگران یک جنگ جدید هستند که به طور اجتناب‌ناپذیری بحران گسترده‌ای برای منافع عمان بوجود می‌آورد، با چالش‌های عمده‌ای مواجه خواهد شد؛ با این وجود، این شرایط همچنین برای سلطان جدید عمان در اولین روزهای سلطنتش فراهم است تا رهبری زیرکانه و مدبرانه خود را به نمایش بگذارد (Cafiero, 2020:13).

۵- نتیجه گیری

در دوران پنج دهه سلطنت سلطان قابوس، سلطان فقید عمان، این کشور، با ساختار خاص خود در منطقه خلیج فارس، و ویژگیهای خاص سلطان قابوس، به تدریج توانسته است به عنوان یک کشور بی طرف و مسالمت جو در منطقه ظاهر شود و در بحرانهای مختلف منطقه‌ای، نقش میانجی و میزبان مذاکرات طرفهای درگیر را برعهده گیرد. البته در این امر هم تا حدودی موفق بوده و توانسته است در ثبات منطقه خلیج فارس سهیم باشد. روند موضع گیری و نقش آفرینی عمان در مناقشات مختلف منطقه در این سالها، همواره به گونه‌ای بوده است که به آن کشور جزیره ثبات و یا سوئیس خاورمیانه گفته شده است. می توان گفت، عمان، تنها کشور در منطقه است که هر گاه صحبت از ثبات و صلح و میانجیگری به میان می آید، بیدرنگ نام این کشور و سلطان قابوس، متبادر می گردد. بنابراین نقش و جایگاه سلطان قابوس و میراثی که برای کشور خود و منطقه بر جای گذاشته، با ارزش است و خلاء ناشی از مرگ او، پیامدهایی را برای این کشور به ویژه در زمینه سیاست خارجی، به دنبال خواهد داشت. مهمترین این چالشها، سختی ادامه حفظ نقش بی طرفی مثبت این کشور در منطقه و رفع چالشهای اقتصادی کشور برای تمرکز و هماهنگی در سیاست خارجی است. سلطان هیثم بن طارق، جانشین سلطان قابوس، اگر چه عهد کرده است که همان مسیر را ادامه دهد، با این وجود به دلیل عدم داشتن کاریزمای لازم و همچنین مواجه شدن با شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، برای ادامه راه سلف خود با مشکلات و چالشهایی روبرو خواهد بود. با این وجود، با توجه به آنچه تاکنون در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، باید گفت که در کشور عمان، در تاثیرگذاری متقابل ساختار- کارگزار، این ساختار است که بر کارگزار تاثیر می گذارد. ساختاری که در گذر زمان از مولفه‌های، هویت، فرهنگ، مذهب، موقعیت استراتژیک و... شکل گرفته و در نتیجه، سلطان جدید به عنوان کارگزار، بناگزیب رویه سلطان قبلی را در سیاست خارجی بی طرفی مثبت دنبال خواهد کرد.

پیشنهاداتی که در این مقاله، در زمینه موضوع مورد بحث، می توان ارائه کرد به طور خلاصه عبارتند از:

۱- با توجه به مدت سلطنت بسیار طولانی سلطان قابوس بر کشور عمان و ایجاد تغییرات عمیق و ساختاری در جهت رشد و توسعه این کشور، با فقدان وی خلأیی در این کشور بوجود آمده و تأثیرات آن در سیاست خارجی عمان مشاهده خواهد شد. به همین دلیل، ضرورت دارد که جانشین وی و دستگاه حاکمه این کشور، اقدامات سریع و قابل توجهی به ویژه برای رفع مشکلات اقتصادی کشور بردارند تا بتوانند در صحنه سیاست خارجی منطقه‌ای و بین المللی، جایگاه و نقش این کشور را بمانند دوران سلطان قابوس حفظ نمایند.

- ۲- تحلیل این است که سلطان جدید عمان، وفق قول و عهدی که در زمان آغاز سلطنت خود اعلام نموده است، راه و رویکردهای سلطان قابوس را در سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت ادامه خواهد داد. در عین حال، وی در کوتاه مدت باید بتواند اقداماتی قابل لمس در صحنه سیاست خارجی، در منطقه ارائه نماید تا به مردم کشورش و منطقه نشان دهد که از ظرفیت و توان لازم را برای ایفای این نقش مهم دارا می‌باشد.
- ۳- چالشهای متعددی بر سر راه سلطان هیثم بن طارق در ادامه راه سلطان پیشین متصور است که در این مقاله تا حدودی به آنها اشاره گردید. کشورهای دارای منافع خاص در منطقه در مقابل سیاست خارجی بی‌طرفی عمان ایستادگی و درصدد تحمیل انتظارات و توقعاتی بر سلطان جدید خواهند بود. در این راستا، مقاومت و تدابیر لازم را از جانب ایشان را می‌طلبد تا در ادامه موضع ثابت بی‌طرفی کشور عمان توفیق حاصل کند. در غیر این صورت، انعطاف و کوتاه آمدن در برابر برخی فشارها، در دراز مدت به سود منافع ملی عمان و جایگاه سیاسی این کشور در منطقه، نخواهد بود.

منابع:

الف) فارسی:

ارسیا، بابک؛ احمدی، حسین (۱۳۹۲)، "مسائل ژئوپولیتیکی، امنیتی، اقتصادی، دفاعی حوزه خلیج فارس"، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس، صص ۳۸۶-۳۶۵.

اسلام تایمز، (۲ شهریور ۱۳۹۹) "برکناری یوسف بن علوی؛ آیا سلطان عمان به خروج از مشی بی طرفی می اندیشد؟" تاریخ استخراج ۱۳۹۹/۶/۴ <https://www.islamtimes.org/fa/article>

دیپلماسی ایرانی، (۲۱ دی، ۱۳۹۸)، "بررسی آینده عمان پس از مرگ سلطان قابوس، روابط مثبت تهران-مسقط در دوران پادشاهی جدید عمان حفظ خواهد شد." تاریخ استخراج ۱۳۹۹/۶/۱۹ <http://irdiplomacy.ir/fa>

جوادی ارجمند، محمد جعفر، (۱۳۹۹)، "الگوی روابط عوامل کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۴۳-۲۱.

دانش نیا، فرهاد، (۱۳۹۴)، "سازه انگاری الکساندر ونت: امتناع گذار از بن بستهای تئوریک روابط بین الملل و دستیابی به راهی میانه"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، صص ۷۴-۴۹.

رستمی، فرزاد؛ غلامی حسن آبادی، مسلم، (۱۳۹۵)، "علل تداوم مناقشه ایران و آمریکا پس از توافق هسته‌ای"، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۲۴۹-۲۰۹.

روزنامه تعادل، (۲۴ دی ماه ۱۳۹۸)، "مرگ میانجی؛ با درگذشت سلطان قابوس، هیثم بن طارق پادشاه عمان شد تاریخ استخراج ۱۳۹۹/۷/۷ <http://www.taadolnewspaper.ir>

سادات گرامیان، سعیده؛ پورقوشچی، محمد رضا، (۱۳۹۴)، "جهانی شدن و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه ساختار- کارگزار"، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ششم، شماره شانزدهم، صص ۱۶۶-۱۳۱.

سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیز آبادی، مهدی؛ نیکفر، جاسب، (۱۳۹۴)، "ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن"، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره دوم، صص ۲۷-۱.

کرمی، امیرسعید؛ دوست محمدی، احمد، (۱۳۹۵)، "تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و عمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره سوم، صص ۱۵۱-۱۲۱.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳)، "سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، صص ۱۴۳-۱۱۳.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۱)، "نظریه سازه انگاری متعارف و پژوهش در روابط بین‌الملل و استلزامات پژوهشی"، دوفصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش سیاست نظری» دوره جدید، شماره دوازدهم، صص ۲۰-۱. (ب) انگلیسی:

Abouzzohour, Yasmina, (2020). "As Oman enters a new era, economic and political challenges persist" Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/15/as-oman-enters-a-new-era-economic-and-political-challenges-persist/>. Accessed on: 29 Sep, 2020.

Albasoos, H., & Maashani, M. (2020). Oman's Diplomacy Strategy. *International Journal of Research in Business and Social Science* (2147-4478), 9(2), 152-163.

Al-Faisal, Ayman, (2020) "Qaboos's Oman and the New Sultan's Challenges". Available at: Al-Bayan Center for Planning and Studies, <https://www.bayancenter.org/en/2020/01/2025/>. Accessed on: 25 Sep, 2020,

Aljazeera, (2020) , "Loss for Region", World reacts to death of Oman, s Sultan Qaboos, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/1/11/loss-for-region-world-reacts-to-death-of-omans-sultan-qaboos>, accessed on: 23 Aug, 2020.

Al-Manitor, (2020), "Will ties with Iran change under Oman's new sultan?", Available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/02/iran-oman-ties-new-sultan-qaboos.html>, Accessed on: 28 Sep 2020.

Baycar, Hamdullah, (2020) "Opinion - Challenges for Oman's New Sultan" Available at: <https://www.e-ir.info/2020/01/24/opinion-challenges-for-omans-new-sultan/>. Accessed on: 27, Sep, 2020.

Bianco, Cinzia, (2020) "Meet Oman's new sultan. How will he navigate the region's turmoil? The late Sultan Qaboos leaves behind a legacy of peace and diplomacy". Available at: <https://www.washingtonpost.com/politics/2020/01/15/meet-omans-new-sultan-how-will-he-navigate-regions-turmoil/>. Accessed on: 25 Sep 2020.

Bodetti, Austin, (2020), "Oman Strive for Neutrality in the Middle East", Yale University, Yale Global Online, Available at: www.yaleglobal.yale.edu/content/oman-strives-nutrality-middle-east, Jan 7th, 2020, Accessed on: 11 Oct, 2020.

Cafiero, Giorgio, (2020). "Oman's new sultan and US-Iran tensions", Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/omans-new-sultan-and-us-iran-tensions/>. Accessed on: 28 Sep, 2020.

Due-Gundersen N., (2020), "The Two Sultans of Oman: from Qaboos to Haitham bin Tariq", Al Bawaba, Your Gateway To the Middle East , Available at: <https://www.researchgate.net/publication>., Accessed on: 13 Oct, 2020.

Echagüe, Ana., (2015), "Oman: the outlier", FRIDE, A European Think Tank for Global Action, Norwegian Ministry of Foreign Affairs, Available at: www.fride.org, Accessed on: 14, Sep, 2020.

Henderson, Simon, (2020), "Death of Sultan: Oman Matters, So why such a slow US response?", *THE HILL*.

Hubbard, Ben. (2020), "Oman's New Sultan Vows to Continue Country's Peacemaking Path", The New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2020/01/11/world/middleeast/oman-sultan.html>, Accessed on: 12 Sep, 2020.

Karasik, Theodore and Paraskevopoulos, Andreas (2019) "Oman: a facilitator of Diplomacy", Inside Arabia, Voice of the Arab people, July 16, 2019, Available at: <https://insidearabia.com/oman-a-facilitator-of-diplomacy/> Accessed on: 20 Oct, 2020

Kechichian, J. A. (1995). Oman and the world: The emergence of an independent foreign policy: Rand Corporation. "Loss for region': World reacts to death of Oman's Sultan Qaboos", Aljazeera, 11 Jan 2020.

Murphy, Brian, (2020) "Sultan Qaboos, who transformed Oman into a regional power broker, dies at 79", Available at: https://www.washingtonpost.com/local/obituaries/sultan-qaboos-who-transformed-oman-into-a-regional-powerbroker-dies-at-79/2020/01/10/51bceee6-3415-11ea-91fd-82d4e04a3fac_story.html, 11 Jan, 2020, Accessed on: 20 Sep, 2020.

"New Sultan of Oman Upholds Old Policies", (2020), Available at: <https://fanack.com/oman/faces/haitham-bin-tariq-bin-taymour/>, Accessed on: 28 Sep 2020.

"Oman's Sultan names new foreign minister", (2020), Available at: <https://www.arabnews.com/node/1721391/middle-east>, 18 Aug, 2020, Accessed on: 16 Oct, 2020.

“Oman's Sultan Haitham sets out agenda of peace in public”,(2020), Available at: <https://alkhaleejtoday.co/international/47034/Omans-Sultan-Haitham-sets-out-agenda-of-peace-in-public-address.html>, 23 Feb, 2020. Accessed on: 23 Aug, 2020.

“Oman's sultan names new foreign minister”,(2020), Available at: <https://www.france24.com/en/20200818-oman-s-sultan-names-new-foreign-minister>, 18 Aug, 2020, Accessed on 29 Sep, 2020

Owtram, Francis, (2020), “Oman After Qaboos: Continuities, Challenges and Choices”, LES Middle East Center Blog, Available at: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2020/01/24/oman-after-qaboos-continuities-challenges-and-choices/>, Accessed at: 14 Sep, 2020.

Pike, Christopher /Reuters, (2020), “Loss for region’: World reacts to death of Oman’s Sultan Qaboos”, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/1/11/loss-for-region-world-reacts-to-death-of-omans-sultan-qaboos>, Accessed on: 26 Oct, 2020.

SZALAI, MÁTÉ, (2018), “The Island of Stability?” (2) Foreign and Security Policy Challenges Faced by the Sultanate of Oman, Institute for Foreign Affairs and Trade, Available at: <https://kki.hu/en/the-island-of-stability-2-foreign-and-security-policy-challenges-faced-by-the-sultanate-of-oman>, Accessed on: 29 Aug, 2020.

Sievers, Marc J. (2020) “The Sultan of Oman’s new cabinet combines continuity and change”, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/the-sultan-of-omans-new-cabinet-combines-continuity-and-change/>, Accessed on: 29 September, 2020.

Smith Diwan, Kristin. (2020), “Politics and Governance Oman’s new Sultan unlikely to pursue Qaboos Monopoly of Power”, The Arab and Gulf states Institute in Washington, Available at: <https://agsiw.org/omans-new-sultan-unlikely-to-pursue-qaboos-monopoly-of-power/>, Accessed on: 21 Sep, 2020.